



The Role of Contemporary Cultural Paradigms in Understanding Hadith, with Emphasis on the Narrations of “Those Given Glad Tidings of Paradise”

Ahmad Gharaee Sultan Abadi ^{a*}

^a Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Vali-e-Asr University, Rafsanjan, Rafsanjan, Iran

KEYWORDS

Contemporary patterns, Hadith interpretation, Hadiths, Al-Mubashshirun bi al-Jannah, Paradise

Received: 05 May 2025;
Accepted: 19 July 2025

Article type: Research Paper
DOI: 10.22034/thr.2025.2059790.1101

ABSTRACT

In Islamic hadith and historical sources, a group of individuals are referred to as "al-Mubashshirun bi al-Jannah" [those who were given glad tidings of Paradise] by the Prophets and Imams. A precise understanding and semantic analysis of such narratives, especially regarding the criteria and motives behind granting this title to certain individuals, holds significant importance in religious studies and hadith sciences. Furthermore, identifying the linguistic and behavioral patterns underlying these reports can contribute to developing methodological principles for deeper interpretation of prophetic traditions. This study adopts an analytical and causal approach to examine the contents of these hadiths and the informal patterns that shape their structure. The findings reveal that each narrative pattern has emerged based on specific causes and motivations, which in most cases are rooted in socio-political and religious objectives aimed at defending and reinforcing the minority discourse of faithful followers of the Quran and Sunnah against dominant ideologies. Moreover, it was found that evaluating and validating such hadiths requires more than mere reference to classical rijālah (hadith criticism) sources or assessing whether the figures mentioned are praised or criticized. Rather, these patterns must be analyzed within their cultural and historical contexts, while also considering their psychological, educational, and social functions.

* Corresponding author.
E-mail address: ah.gharaee@vru.ac.ir
©Author





نقش الگوهای رایج زمانه در فهم حدیث با تکیه بر احادیث «المبشرون بالجنة»

احمد قرائی سلطان آبادی الف

الف دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ولی عصر (عج) رفسنجان، رفسنجان، ایران،

ah.gharaee@vru.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
الگوهای زمانه، فهم حدیث، احادیث، المبشرون، الجنة	در منابع حدیثی و تاریخی اسلامی، گروهی از صحابیان و باران پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) با عنوان «المبشرون بالجنة» معرفی شده‌اند که برای آنان بشارت ورود به بهشت داده شده است. فهم دقیق و عمق معناشناسی این نوع احادیث، به‌ویژه از منظر اینکه بر چه اساسی و با چه انگیزه‌هایی این عنوان به افراد خاصی داده شده است، در مباحث اعتقادی، حدیثی و تفسیری اهمیت ویژه‌ای دارد. همچنین، شناخت الگوهای کلامی و عملی حاکم بر این احادیث، می‌تواند به کشف ضوابطی جهت فهم عمیق‌تر آنها کمک نماید. این پژوهش با رویکردی تحلیلی و تعلیلی، به بررسی محتوای این احادیث و الگوهای غیر صوری حاکم بر آنها پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که هر یک از این الگوها دارای علل و انگیزه‌های خاص خود بوده‌اند که در بیشتر موارد، دارای ابعاد سیاسی و مذهبی بوده و به‌منظور تقویت و دفاع از گفتمان اقلیتی مردم مؤمن و پایبند به سنت و قرآن در برابر گفتمان غالب شکل گرفته‌اند. همچنین مشخص شد که در اعتبارسنجی و ارزیابی این نوع احادیث، تنها به مراجعات رجالی و مدح یا ذم شخصیت‌های یادشده بسنده نمی‌شود؛ بلکه لازم است الگوهای موجود در این اخبار در پس‌زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی زمانه خود مورد تحلیل قرار گیرند. همچنین، توجه به کارکردهای روان‌شناختی، تربیتی و اجتماعی این الگوها، نقش مهمی در درک عمیق‌تر محتوای آنها دارد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸	
مقاله علمی پژوهشی	

۱. مقدمه

احادیث با عنوان (المبشرون بالجنة) متضمن این نکته هستند که پیامبر (ص) و اهل بیت علیهم‌السلام به بعضی از یاران خود بنا بر بعضی ویژگی‌های خاص شخصیتی و اخلاقی و پایبندی به عقاید و احکام شرعی بشارت بهشت داده‌اند. معمولاً برای مخاطب چنین احادیثی در نگاه اول این پرسش‌ها مطرح می‌شود که

چرا این افراد به چنان مقامی بشارت داده شده‌اند؟

بر اساس چه ویژگی یا خصیصه آنها مستحق چنان امتیاز و مقامی شده‌اند که دیگران از آن بشارت محروم گشتند؟ شرایط فرهنگی و اجتماعی زمانه صدور آن نوع روایات چگونه بوده است و چه الگوهایی در میان مردم رواج داشته است که معصومین علیهم‌السلام از آن الگوها جهت بیان مراد و منظور خود استفاده کردند؟ مراد از الگو یعنی آن قالب و طرح‌واره‌ای که معنا و محتوای حدیث را به مخاطب منتقل می‌سازد. معمولاً الگوها تابعی

از جریان‌ها و گفتمان‌های غالب در جامعه هستند. البته در ساحات علوم و معارف بشری الگوها متأثر از پارادایم‌های آن علوم هستند، یعنی هر آن چیزی که دانشمندان خود را موظف به تبعیت از آن می‌دانند تا به واسطه آن روش و مبانی و دستاوردهای علمی خود را پویاتر و کارآمدتر سازند. در احادیث موردنظر این جستار هم با الگوهای مواجه می‌شویم که با بررسی دقیق صورت و محتوای آنها می‌توان به جریان‌ها و گفتمان‌های مهم و نقش‌آفرین در زمانه صدور آن احادیث دست‌یافت و نگاه دقیق‌تری به علل و اسباب شکل‌گیری و رونق بعضی از الگوهای کلامی و عملی در هر دوره از تاریخ احادیث داشت.

۲. پیشینه تحقیق

در مجموعه تحقیقات موجود آن گونه که نگارنده جستجو نموده تحقیقی اعم از کتاب یا مقاله که به نحو مستقیم به موضوع کشف و تبیین الگوهای شکل‌گرفته در اطراف احادیث المبشرون بالجنة پرداخته باشد، پیدا نشد. فقط بحث‌هایی درباره الگوها در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی و پاره‌ای از تحقیقات قرآنی وجود دارد که در متن مقاله از آنها به اقتضای بحث استفاده شده است. اساس بحث‌ها در این موارد ناظر بر الگوپذیری انسان و میل به تقلید و همسان‌سازی خود با الگوهای برتر و کامل است، سخنی درباره ساختار و قالب الگوهای رایج زمانه نشده است. برای مثال در کتابی با عنوان «الگوشناسی» (مهدی زاده، ۱۳۸۵) الگو در کنار مسئله تقلید از دیگران معنا شده است و بنا بر آیات و روایات و یافته‌های روان‌شناسی کوشیده است که موضوع الگوپذیری و تبعیت از الگوهای موفق را دارای اهمیت نشان دهد. وجه نوآوری پژوهش حاضر در آن است که بحث الگوهای صوری را درباره احادیث المبشرون بالجنة بررسی کرده تا علل و زمینه‌های شکل‌گیری آن الگوها و احادیث مندرج در آن روشن گردد.

۳. مفهوم شناسی واژه الگو

برای الگو pattern در لغت فارسی معانی مدل، انگاره، شکل و نمونه، قالب، طرح، منوال و نقش بیان شده است (نک: دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲ ص ۳۲۴۸). در عربی الگو هم برای (أسوة) یا (قُدوة) به معنی سرمشق و نمونه اخلاقی به کار می‌رود. آن گونه که راغب اصفهانی گفته: «أسوه آن حالتی است که انسان بر آن می‌باشد در پیروی از دیگری خواه او نیک باشد یا بد» (راغب اصفهانی، ج ۱ ص ۲۲). هم برای (نمط) بکار می‌رود به معنای روش، طرز، شیوه، سبک، نوع قسم، گونه (نک: آذرنوش، ۱۳۹۱، ص ۱۱۲۴). برای مثال به الگوشناسی می‌گویند: تمییز الأنماط. در اصطلاح، الگو برای ساده‌تر و قابل فهم کردن پدیده‌ها، به تنظیم عناصر آن پدیده و ایجاد نظمی در آنها می‌پردازد و آن را به شکل یک طرح منطقی و یک پیکره درمی‌آورد (توسلی، ۱۳۶۸، ص ۱۴۲).

الگوهای سخن و رفتار از نوع الگوهای غیر صوری (InFormal Model) و الگوهای رایج در زمانه هستند که از واقعیت موجود و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی گرفته می‌شوند و به وسیله علائم و مفاهیم و عادت‌ها نشان داده می‌شوند و از این طریق، تفسیر و تبیین منطقی واقعیت حاصل می‌گردد (نک: موحد، ۱۳۹۸). الگوها برای آن ساخته می‌شوند تا امور و پدیده‌های مرکب و پیچیده را ساده فهم نمایند و یک الگوی جامع آن است که همه عناصر دخیل در یک امر یا پدیده اجتماعی یا فرهنگی را نشان دهند و قابلیت تغییر به فراخور تغییرات آن عناصر نقش‌آفرین را دارا باشند. الگوها سیال و متغیرند و با پیشرفت جامعه و تکامل‌پذیری انسان خود را وفق می‌دهند. حیات هر الگو به حیات عناصر و مفاهیم دخیل

در آن الگو بستگی دارد.

در الگوهای سخن و رفتار که مورد نظر این جستار است، یک باور، التزام عملی افراد به آن باور، عرف و عادت رایج بین مردم، سنت‌های ترویج و تبلیغ آن باور، کنش و واکنش افراد در برابر آن باور یک الگوی خاص را تشکیل می‌دهد که واژگان و مفاهیم معینی را در خدمت می‌گیرد تا آن باور و ملاحظات اجتماعی آن در ذهن و فکر و حافظه مردم رسوخ یابد و همین امر سبب ماندگاری آن الگو می‌گردد. برای مثال، باور به جهان پس از مرگ در میان مسلمانان از الگوهای خاص خود تبعیت می‌کند، در مقام سخن و عمل بر طبق آن اعتقاد، یک سری الگوهایی شکل گرفته است که افراد ملتزم به آن الگوها را از سایر اشخاصی که التزام به آن ندارند، کاملاً متمایز می‌سازد، مثلاً در این راستا، شرکت در مراسم مذهبی و مناسک دینی یک الگوی عملی است که افراد را ملتزم به انجام اعمالی و پرهیز از اعمالی می‌نماید.

۴. فرایند کشف الگوهای رایج زمانه و کارکردهای آنها

درون هر دوره تاریخی، جریان‌ها و گفتمان‌هایی وجود دارد که اساس فعالیت‌های فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی آن دوره را تشکیل می‌دهند. صاحبان هر جریان یا گفتمان هم به دنبال اعتباربخشی و برتری جریان یا گفتمان خود هستند. معمولاً چنین جامعه‌ای برکنار از ظهور الگوهای مختلف تفکر و سخن، شاعری و نویسندگی، تجارت و بازرگانی، حکمرانی و قدرت، نشر و تبلیغ افکار و باورها نیستند. اینها الگوهایی هستند که در درون فرهنگ و مناسبات اجتماعی آن جامعه شکل می‌گیرند و قاعدتاً ساختار و زبان (ادبیات) خاص خود را دارند (نک: کریمی ۱۴۰۲، ص ۳). برای نمونه صاحبان قدرت و ثروت می‌کوشند اهم فعالیت‌های سیاسی و تجاری خود را بر پایه الگوها یا گفتمان‌های مشخصی پیش ببرند که هم از میزان قدرت و سهم مالکیت و توان انحصار آنها چیزی نکاهد و هم به موقعیت‌ها و شرایط بهتر و پررونق‌تری دست یابند. در گفتمان این نوع افراد معمولاً شکل معینی از گفتارها و رفتارها وجود دارد که علی‌القاعده از الگوهای سخن و رفتار خاصی هم پیروی می‌کنند.

روشن است که اندیشه حاکم بر گفتمان قدرت و ثروت همسوی با اهداف و منافع آنان شکل می‌گیرد تا حدی که قلمروی انحصاری برای صاحبان آن گفتمان ایجاد می‌کند و نمی‌گذارد عرصه رقابت بر آنها تنگ گردد. با این وصف، گفتمان قدرت و ثروت بنا بر تغییرات و تحولات خرد و کلان جامعه می‌تواند رنگ عوض کند و الگوهای سخن و رفتار خود را تغییر دهد. الگوهای سخن و رفتار چیزی خارج از فرهنگ زمانه و عرف عام و آداب و رسوم آن جامعه نیست. معمولاً الگوهای سخن و رفتار شکل می‌گیرند تا یک گروه خاص را در مسیر نیل به اهداف و برنامه‌هایشان یاری رسانند. علاوه بر ماهیت انگیزشی و پویای این الگوها، محتوای آنها امری خارج از نظام باورها و ارزش‌های فرهنگی و قومیتی نیست.

در این زمینه ممکن است تصور شود که متن جامعه متکثر و متنوع از الگوهای مختلف سخن و رفتار خواهد شد، البته این به معنای سلطه نوعی بی‌نظمی اجتماعی و پراکندگی فرهنگی نخواهد بود، بلکه اساس تعاملات فکری و روابط اجتماعی بر همین تکثرها و تفاوت‌های میان مردم است تا آنگاه که مرزهای مشترک شکل گیرد و افراد در هر صنف و طبقه‌ای با الگوهای سخن و رفتار خود به دنبال رفع مشکلات و نیازمندی‌های آن جامعه باشند.

با رویکردهای مختلفی درباره تاریخ و فرهنگ ادوار مختلف یا پدیده‌های گوناگون مطالعه و تحقیق شده است، برای مثال رویکرد روح زمانه، رویکرد تحول تاریخی، رویکرد فرد بزرگ، رویکرد تاریخ فرهنگی، رویکرد تجربه‌گرا. در هر یک از این موارد، محققان به دنبال بررسی یک موضوع یا پدیده هنری یا فرهنگی بودند که در فضای تاریخی و شرایط اقتصادی

دوره ای خاص دچار تحولات گوناگونی شده‌اند (نک: جلیلیان و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۳۰ - ۳۱). این نوع تحقیقات ما را با یک دوره تاریخ پژوهشی مواجه می‌سازد که برای درک سیر تکاملی حیات و فهم مناسبات جهان انسانی به کار می‌آید. در این زمینه، کاپلستون از مورخان مطرح در تاریخ فلسفه تعبیر دقیقی دارد: «اگر کسی بخواهد از فلسفه دوره خاصی آگاه شود، باید بکوشد از ذهنیت و پیش‌پنداشت‌های افرادی که در آن دوره زندگی می‌کردند مطلع شود، صرف‌نظر از این که در آن ذهنیت و پیش‌پنداشت‌ها سهیم باشد یا نباشد». (هرگنهان، ۱۳۸۹، ص ۳).

فقط کافی است در یک موضوع یا آموزه خاص به منابع و کتب تاریخی مراجعه شود و اشکال و صور گوناگون بیان آن موضوع یا آموزه در منابع استخراج و مورد تأمل قرار گیرد. با این روند، الگوهای سخن و رفتار در پذیرش یا رد و نشر و دفاع از آن موضوع یا آموزه کشف و استخراج می‌گردد. در این جستار، موضوع بشارت‌یافتگان به بهشت بنا بر احادیث منقول در سنت روایی اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است.

۵. الگوهای رایج در احادیث المبشرون بالجنة

بنا بر شکل و ساختار احادیث موردنظر، نوع بشارت‌ها برگرفته از الگوهای رایج در زمانه است، مهم‌ترین این الگوها عبارتند از:

۵.۱. الگوی قرض دادن و بخشیدن مال

در حدیثی به نقل از زید بن اسلم آمده که هنگامی که آیه «کیست که به خدا قرضی نیکو دهد» نازل شد، ابودحداح گفت: پدر و مادرم به فدایت، ای پیامبر خدا! خدا از ما تقاضای قرض می‌کند، در صورتی که او از قرض کردن، بی‌نیاز است؟ فرمود: «آری. می‌خواهد از این طریق. شما را به بهشت ببرد».

در این الگو، ابودحداح^۱ در گفتگوی با پیامبر (ص) قرار می‌گیرد و خواهان بخشش یکی از دو باغش در مدینه می‌شود (البته همان بهترین و حاصلخیزترین باغش)، پیامبر (ص) هم او را چنین ارشاد می‌کند: «یکی را برای خدا قرار بده و دیگری را برای گذران زندگی خودت و عائله‌ات بگذار». او هم ماجرا را با زبان شعر برای همسرش که در باغ است تعریف می‌کند و همسرش نیز با زبان از پیشنهاد او استقبال می‌کند و اولین واکنشش این است که به شوهرش می‌گوید: «سودایت سودمند باد! خدا برای آنچه معامله کردی، به تو برکت دهد» و بعد با زبان شعر شوق خودش را نشان می‌دهد و در نهایت به طرف کودکانش می‌رود و آنچه را در دهان‌هایشان بود، بیرون می‌آورد و آنچه را در آستین‌هایشان بود، بر زمین می‌ریزد و همگی به باغ دیگر می‌روند. (نک: قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۳ ص ۲۳۸؛ طبری، ۱۴۱۲، ج ۲ ص ۳۷۱).

علاء اسدی زمانی که والی بحرین شد، مبلغ هفتصد هزار دینار و تعدادی چارپا و برده به دست آورد و همه آنها را بُرد و در برابر امام صادق علیه‌السلام گذاشت و گفت: من از سوی بنی امیه، والی بحرین شدم و فلان مقدار، ثروت به دست آورده‌ام و همه‌اش را خدمت شما آورده‌ام و می‌دانم که خداوند عز و جل هیچ مبلغی از آن را برای آنان روا ندانسته و همه‌اش

^۱ - ماجرای نخلی که ابودحداح آن را از فردی در برابر چهل نخل خرید و آن را به پیامبر (ص) بخشید و حضرت هم وقتی از آن نخلستان می‌گذشتند و خوشه‌های آن نخل را می‌دیدند می‌فرمودند: «از این خوشه‌ها برای ابودحداح در بهشت بسیار خواهد بود»، در منابع مشهور واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱ ص ۴۷۷ در این کتاب نامی از آمده است. (نک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲ ص ۶۰۸؛ مجلسی ج ۱۰ ص ۱۲۷؛ ابودحداح نبرده است)

برای شماسست. امام صادق علیه السلام به او فرمود: «آنها را بیاور». او آنها را آورد و در برابر ایشان قرارداد. امام علیه السلام به او فرمود: «از تو پذیرفتیم و به تو بخشیدیم و برایت حلال کردیم و بهشت را از جانب خدا برایت ضامن شدیم» (نک: کشی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲ ص ۴۵۳).

۵. ۲. الگوی شوق بهشت به...

در این الگو که یک استعاره مفهومی را هم با خود دارد، بهشت موجود زنده‌ای فرض شده که میل و اشتیاق به افرادی خاص را دارد. برای مثال، در حدیثی از پیامبر (ص) آمده که «بهشت به سه کس یعنی علی (علیه السلام) و عمار و سلمان و بلال اشتیاق دارد» (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۱۰ ص ۱۰۴). در حدیثی نیز به همه این افراد (علی، عمار، سلمان) به همراه ابوذر و مقداد تصریح شده است (نک: ابن بابویه قمی، ۱۳۶۲ ش، ج ۱ ص ۳۰۳).

۵. ۳. الگوی شب معراج

در این الگو بیشتر محتوا ناظر بر اعتبار واقعه معراج النبی (ص) است و اینکه هر آنچه بیان می شود برگرفته از مشاهدات پیامبر (ص) در جریان سیر شبانه ایشان به عوالم بالاست. برای مثال، به نقل از ابن عباس آمده: شبی که پیامبر خدا (ص) را به معراج بردند و ایشان وارد بهشت شد، از گوشه آن زمزمه ای شنید. فرمود: «ای جبرئیل! این چیست؟» جبرئیل گفت: [صدای] بلال مؤذن است (نک: ابن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۳ ص ۶۳).

۵. ۴. الگوی مشاهدات عینی

از آنجاکه پیامبر (ص) و اهل بیت ایشان در میان مردم و شاهد و ناظر بر وقایع روزمره بودند، بنا بر مقامات عرفانی و کمالات وجودی شان علی الظاهر کشف و شهودهایی هم داشته اند و وقایعی را می دیده اند که برای دیگران غیرعادی می نموده است. مثلاً در جریان جنگ مؤته و مواجهه دو سپاه، پیامبر (ص) بر منبر نشست و موانع میان او و شام برداشته شد و ایشان به آوردگاه می نگرست و سرنوشت زید بن حارثه و جعفر و عبدالله بن رواحه را می دید و این گونه فرمود: «آنان را در بهشت، به من، آن گونه که شخص در خواب می بیند، بر تخت هایی از طلا نشان دادند. در تخت عبد الله بن رواحه نسبت به تخت های دو هم رزمش انحرافی دیدم. پرسیدم: سببش چیست؟ به من گفته شد: آن دو [بی تردید، به جنگ] رفتند؛ ولی عبد الله، نخست اندکی دچار تردید شد» (نک: ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲ ص ۳۸۰).

از جویر بن مسهر عبدی نقل است که چون با امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام رهسپار صفین شدیم و به تپه های کربلا رسیدیم، ایشان در کنار لشکر ایستاد. سپس به راست و چپ، نگاهی کرد و اشک ریخت و آنگاه فرمود: «این جا- به خدا سوگند-، حُسبگاه اشتران آنان و قتلگاه ایشان است». یکی گفت: ای امیر مؤمنان! این جا کجاست؟ فرمود: «این جا کربلاست. در این سرزمین، جماعتی کشته خواهند شد که بدون حسابرسی به بهشت می روند» (نک: شیخ مفید، ۱۴۱۳، ج ۱ ص ۳۳۲).

از امام صادق علیه السلام هم وقتی درباره جانبازی های یاران امام حسین علیه السلام سؤال کردند، این گونه فرمودند: «پرده برای آنان کنار زده شد، به طوری که جایگاه های خویش در بهشت را دیدند. از این رو، هر يك از ایشان به سوی کشته شدن می شتافت تا هر چه زودتر حوریان بهشتی را در آغوش کشد و به جایگاه خود در بهشت نایل آید» (نک: ابن بابویه قمی، بی تا، ج ۱ ص ۲۲۹).

۵. ۵: الگوی شرطی: هرکسی که ...

در این الگو پیامبر یا یکی از امامان شرط می‌کردند که هرکسی که فلان کار را بکند اهل بهشت خواهد بود. برای نمونه در حدیثی پیامبر (ص) به یزید بن نویره فرمود: هرکسی که از این پشته (تل) بگذرد بهشتی است، او هم شمشیر زد و از آن تپه گذشت، پسرعموی او هم، همین کار را کرد و بعد بینشان در مورد تعداد کشتگان بحث و نزاع شد تا اینکه پیامبر به هردوی ایشان فرمود: دل خوش دارید هردوی شما سزاوار بهشتید (نک: ابن حجر، ۱۴۱۵، ج ۶ ص ۵۳۱).

۵. ۶: الگوی با شفاعت فلانی...

در مواقعی هم بنا بر ارزش و مرجعیتی که بعضی از افراد مهم داشتند، با شفاعت آنها عده‌ای بهشتی معرفی می‌شدند. مثلاً در حدیثی از پیامبر (ص) آمده که با شفاعت اویس قرنی عده‌ای به اندازه دو قبیله (ربیع و مضر) به بهشت می‌روند (شیخ مفید، ج ۱ ص ۳۱۶).

۵. ۷: الگوی دیدن افرادی که...

این الگو که اگر می‌خواهید بدانید که چه کسی بهشتی است یا وارد بهشت خواهد شد به فلانی نگاه کنید، از جمله الگوهای رایج در موضوع مورد نظر این جستار است، به نمونه‌های زیر بنگرید:

در حدیثی طولانی به نقل از حکم بن عتیبه آمده که نزد امام باقر علیه‌السلام بودیم که پیرمردی عصازنان آمد و ... امام فرمودند: «هر کس دوست دارد که به مردی از اهل بهشت بنگرد، به این پیرمرد بنگرد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸ ص ۷۷) هر که دوست دارد مردی را ببیند که پاره‌ای از اندام‌های او پیش از خودش به بهشت می‌روند، به زید بن صوحان بنگرد (متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۱۳ ص ۴۰۳)

امام صادق علیه‌السلام هرگاه عیسی بن ابی منصور را می‌دید، می‌فرمود: «هر که دوست دارد مردی از اهل بهشت را ببیند، به این بنگرد» (کشی، ج ۲ ص ۶۲۱؛ ابن داوود، بی تا، ص ۱۴۸).

به نقل از ابراهیم بن عبد الله: امام صادق علیه‌السلام هرگاه فضیل بن یسار را می‌دید، می‌فرمود: «فروتان را بشارت باد! هر که دوست دارد مردی از اهل بهشت را ببیند، به این بنگرد» (کشی، ج ۲ ص ۴۷۲).

به نقل از عبد الله بن یحیی کاهلی: نزد امام کاظم علیه‌السلام بودم که علی بن یقظین از دور پیدا شد. امام کاظم علیه‌السلام رو به یارانش نمود و فرمود: «هر که خوش دارد مردی از یاران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را ببیند، به این که می‌آید، بنگرد». مردی از حاضران گفت: او اهل بهشت است؟ امام کاظم علیه‌السلام فرمود: «من که گواهی می‌دهم از اهل بهشت است» (کشی، ج ۲ ص ۷۳۰).

به نقل از عمرو بن سعید مدائنی: در صریا (قریه‌ای در سه میلی مدینه) نزد امام هادی علیه‌السلام بودم که ایوب بن نوح وارد شد و در برابر ایشان ایستاد. امام علیه‌السلام به او دستوری داد و او رفت. ابوالحسن علیه‌السلام رو به من کرد و فرمود: «ای عمرو! اگر دوست داری به مردی از اهل بهشت بنگری، به این بنگر» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰ ص ۲۲۰).

به نقل از عبدالعزیز بن ابی رواد: شنیدیم که مردی با پیامبر (ص) نماز خواند و چون رفت، پیامبر (ص) فرمود: «این مرد، بهشتی است». عبد الله بن عمرو گفت: من نزد آن مرد رفتم و گفتم: عمو جان! میهمان نمی‌خواهی؟ گفت: بفرما.

او خیمه‌ای داشت و گوسفندی و خرمايي. غروب که شد، از خیمه‌اش خارج شد و بز را دوشید و خرمايي برایم چید و آنها را آورد و باهم خوردیم. آنگاه او خوابید و من به نماز ایستادم. صبح که شد، او روزه نداشت و من روزه داشتم. سه شب به همین منوال گذشت. من به او گفتم: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره تو فرموده است که تو اهل بهشتی. به من بگو که چه عملی انجام می‌دهی [که اهل بهشت شده‌ای]. گفت: نزد همان کسی که به تو خبر داده است، برو تا از عمل من نیز به تو خبر دهد. من نزد پیامبر خدا (ص) آمدم؛ اما به من فرمود: «نزد او برو و بگو که خودش به تو بگوید». من آمدم و به او گفتم: پیامبر خدا می‌فرماید که تو خودت به من بگویی. گفت: حالا می‌گویم. آنگاه گفت: اگر همه دنیا مال من باشد و از من گرفته شود، برایش اندوهگین نمی‌شوم و نیز اگر همه دنیا به من داده شود، شادمان نمی‌شوم و شب که می‌خوابم، کینه هیچ کس در دلم نیست... (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶ ص ۱۹۹).

۵.۸. الگوی فلانی بهشتی است چون که...

در این الگو افرادی به عنوان بهشتیان یاد شده‌اند؛ به این علت که خدمات مفید و ارزنده‌ای داشته‌اند. برای مثال: از امام صادق علیه السلام نقل شده است که چهار نفر یعنی بُرید بن معاویه عَجلی و ابو بصیر لیث بن بختری مرادی و محمد بن مسلم و زراره را مژده بهشت داد، زیرا آنان چهار انسان برگزیده و امینان خدا بر حلال و حرام اویند و اگر اینان نمی‌بودند، آثار نبوت قطع می‌شد و از بین می‌رفت (کَشِّي: ج ۱ ص ۳۹۸؛ حلی، ۱۴۱۷ ص ۸۲). امام درباره حمران بن اعین هم فرمودند که بهشتی است چون از ایمانش اصلاً بر نمی‌گردد (کَشِّي: ج ۲ ص ۴۱۸). از امام رضا علیه السلام نقل است که فرمودند: «خدا رحمت کند اسماعیل بن خطاب را با این وصیتی که برای صفوان بن یحیی کرده و نیز رحمت کند صفوان را! هر دو، شیعه پدران من بودند و هر که شیعه ما باشد، خداوند، او را به بهشت می‌برد» (کَشِّي: ج ۲ ص ۷۹۲).

پیامبر (ص) بینوای بنی عبدالأشهل عمرو بن ثابت بن وقش را اهل بهشت دانست، چون او در ابتدا برخلاف قومش از پذیرفتن اسلام خودداری کرد، ولی وقتی پیامبر برای اُخْد پیرون شد، علاقه به اسلام در او ایجاد شد و با شمشیرش آن قدر جنگید که کشته شد (ابن هشام، ج ۲ ص ۹۰).

۵.۹: الگوی ضمانت بهشت برای...

در این الگو یکی از معصومین علیهم السلام بهشت را برای یکی از یاران خود ضمانت کردند که معمولاً آن فرد ضمانت شونده دارای مرتبه و اعتبار والایی بوده است. به این احادیث توجه کنید: به نقل از جعفر بن عیسی یقطینی و محمد بن حسن: امام جواد علیه السلام از جانب خود و پدرانش علیهم السلام، بهشت را برای یونس بن عبدالرحمان ضمانت کرد (کَشِّي، ج ۲ ص ۷۷۹).

به نقل از یونس بن عبدالرحمان: امام رضا علیه السلام رفتن به بهشت و نجات از آتش را برایم ضمانت کرد. (همو، ج ۲ ص ۷۸۴).

به نقل از ابو بصیر: همسایه‌ای داشتم که در دستگاه حکومت، کار می‌کرد و از این طریق، ثروتی به دست آورده و کنیزکانی آوازه‌خوان خریده بود. همه را نزد خود جمع می‌کرد و شراب می‌خورد و باعث آزار و اذیت من می‌شد. بارها به خود او شکایت کردم؛ اما دست برداشت و چون اصرار کردم که دست از کارهایش بردارد، به من گفت: فلانی! من آدمی هستم که [در بند حکومت،] گرفتار آمده‌ام و تو از این گرفتاری، برکنار و آسوده‌ای. اگر وضع مرا به آفتاب بگویی، امیدوارم

که خداوند به واسطه تو، مرا هم نجات بخشد. این سخن او، در دلم اثر کرد و چون به خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، ماجرای او را به ایشان گفتم. فرمود: چون به کوفه بازگشتی، او نزد تو خواهد آمد. به او بگو: جعفر بن محمد به تو می گوید: کاری را که داری، رها کن. من نیز از جانب خدا بهشت را برایت ضمانت می کنم... (کلینی، ج ۱ ص ۴۷۴).

۵. ۱۰. الگوی نشان دادن افراد بهشتی

در این الگوی افرادی که دارای ویژگی‌های خاصی بودند، به عنوان اهل بهشت به دیگران معرفی می شدند. در این روایت دقت کنید:

به نقل از عطاء بن ابی رباح: ابن عباس به من گفت: آیا زنی از اهل بهشت را به تو نشان ندهم؟ گفتم: چرا. گفت: همین زن سیاهی که نزد پیامبر (ص) آمد. او [به پیامبر] گفت: من غش می کنم و [در هنگام غش کردن و افتادن،] بدنم نمایان می شود. برایم دعا کن. فرمود: «کدام را می خواهی؟ این وضع را تحمل کنی و در عوض، بهشت از آن تو باشد، یا برایت دعا کنم و خدا شفایت بخشد؟». گفت: تحمل می کنم. سپس گفت: بدنم نمایان می شود. پس دعا کن که بدنم نمایان نشود. پیامبر (ص) برایش دعا کرد (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۷ ص ۱۱۶).

۶. تحلیل و ارزیابی الگوها

از بررسی و دقت در شکل و ساختار الگوهای مدنظر این نکته فهمیده می شود که قالب الگوها از گفتمان‌های رایج میان مردم گرفته شده اند؛ اینکه عده ای شوق به چیزی دارند، یا اینکه دوست دارند تا تحت ضمانت یا شفاعت افرادی خاص قرار گیرند، حتی ترجیح می دهند با حس و ادراک حسی خود چیزی را مشاهده کنند و با قرض دادن مال خود به امتیازی دست پیدا کنند. همه اینها بخشی از الگوهای رایج سخن و رفتار در جامعه صدر اسلام بود. در ارزیابی اجمالی این احادیث و اظهار نظر قطعی در مورد هر یک از آنها و به طور کلی، احادیثی که بهشتی بودن فرد یا افرادی را پیشگویی کرده اند، دو نکته باید مورد توجه قرار گیرد:

نکته اول: ارزیابی سند و صحت سندی احادیث، به تنهایی، آنها را از نظر صدور از معصوم، قطعی نمی کند. خبر واحد صحیح السند، تنها در صورتی می تواند مورد اعتماد قرار گیرد که شواهد و قرائنی دال بر مخالفت محتوای آن با ضروریات و بدیهیات در کار نباشد. به عبارت دیگر، صحت اسناد حدیث، عامل انحصاری ارزیابی حدیث در همه ابعاد نیست؛ بلکه ارزیابی حدیث باید به گونه ای جامع انجام پذیرد تا نوعی وثوق به صدور آن فراهم آید.

نکته دوم: ارزیابی عملکرد افرادی که بهشتی بودن آنان روایت شده، خود، معیاری است که بیش از ارزیابی سند روایت، می تواند ما را بر صحت آن روایت و سرنوشت نیکوی آن افراد راهنمایی نماید، بدین معنا که اگر عملکرد کسی که بهشتی معرفی شده، هماهنگ با کتاب خدا و سنت بود، قرینه روشنی بر صحت گزارش و سرنوشت نیکوی اوست؛ اما اگر عملکرد وی به ویژه در بخش پایانی عمر، برخلاف کتاب خدا و سنت بود، گواه قاطع و روشنی بر نادرست بودن گزارشی است که او را بهشتی توصیف کرده است (محمدی ری شهری ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۷۷۴).

در جدول زیر اطلاعاتی رجال شناختی از کیفیت حال افراد بشارت داده شده به بهشت آن گونه که در روایات المبشرون بالجنة آمده، آورده شده است:

نام راوی	رجال کشی	رجال ابن داوود	خلاصه الأقوال علامه حلی	رجال نجاشی	فهرست شیخ طوسی	رجال الطوسی
عیسی بن ابی منصور	خیر فاضل هو المعروف بشلقان.	ممدوح، کان خیرا فاضلا	نقلا عن النجاشی: عربی صلیب ثقة	*	*	*
فضیل بن یسار	قد أتى بروایات تدل علی مدحه	بصری مولی ثقة. و أعدّه من أصحاب الإجماع	عربی صمیم بصری ثقة عین جلیل القدر	عربی بصری صمیم ثقة	*	بصری ثقة
علی بن یقظین	قد أتى بروایات تدل علی مدحه	کوفی الأصل مولی بنی أسد ضمن له أبو الحسن علیه السلام الجنة کان جلیل القدر عظیم المنزلة عند أبی الحسن علیه السلام عظیم المکان فی الطائفة	کوفی الأصل... و کان ثقة جلیل القدر له منزلة عظيمة عند أبی الحسن علیه السلام عظیم المکان فی هذه الطائفة	کوفی الأصل روی عن ابي عبدالله حديثا واحدا و روى عن موسى علیه السلام فأكثر. له كتاب	ثقة جلیل القدر له منزلة عظيمة عند أبی الحسن موسى علیه السلام عظیم المکان فی الطائفة	مولی بنی أسد
أيوب بن نوح بن دراج	کان فی الصالحين و کان عند الناس أن عنده مالا لأنه کان وکیلاً لهم و کان یقع فی یونس رحمه الله فی ما یذكر عنه	ممدوح کوفی کان وکیلاً لهم عظیماً ورعاً ثقة	ثقة له كتب و روایات و مسائل عن أبی الحسن الثالث علیه السلام و کان وکیلاً لأبی الحسن و أبی محمد علیهما السلام عظیم المنزلة عندهما مأموناً شديد الورع كثير العبادة ثقة فی رواياته	کان وکیلاً لأبی الحسن و أبی محمد علیهما السلام عظیم المنزلة عندهما دموناً و کان شديد الورع كثير العبادة ثقة فی رواياته	ثقة له كتاب ورویات و مسائل عن أبی الحسن الثالث علیه السلام	کوفی مولی النخع ثقة
برید بن معاویه العجلی	قد أتى بروایات تدل علی مدحه و ذمه	وجه من وجوه أصحابنا فقیه له محل عند الأئمة علیهم السلام. و أعدّه من أصحاب الإجماع	و هو وجه من وجوه اصحابنا ثقة فقیه له محل عند الأئمة علیهم السلام. قال أبو عمرو الکشی:	عربی روى عن أبی عبدالله و أبی جعفر علیهما السلام وجه من وجوه	*	العجلی الکوفی

		أصحابنا و فقيه أيضاً له محل عند الأئمة	إنه ممن اتفقت العصابة على تصديقه و ممن انقادوا له بالفقه			
لیث بن البختری المرادی	قد أتى بروایات تدل على مدحه و ذمّه	ثقة عظیم الشأن و هو من المختبتین الذین بشرهم الباقر علیه السلام بالجنة. و أعدّه من أصحاب الإجماع	أن الطعن إنما على وقع على دینه لا على حدیثه. و هو عندی ثقة و الذی اعتمد علیه قبول روايته و أنه من اصحابنا الإمامیة للحدیث الصحیح الذی ذكرناه أولاً.	روی عن أبی جعفر و أبی عبدالله علیهما السلام له كتاب یرویه جماعة... الحسن موسی علیهما السلام. له كتاب	یکنی أبابصیر کوفی	
محمد بن مسلم	قد أتى بروایات تدل على مدحه و ذمّه	انتقل الى الكوفة و العامة تروی عنه و و كان عند الصادق (ع) و جیبها. صحب و روى عنهما و كان من أوثق الناس. و أعدّه من أصحاب الإجماع	مولی ثقیف الأعور وجه من اصحابنا بالكوفة ورع فقیه صاحب أباجعفر و أباعبدالله علیهما السلام و روى عنهما و كان من أوثق الناس	* الطحان الطائفی و كان أعور لقی أباعبدالله علیه السلام		
زرارة بن أعین	قد أتى بروایات تدل على مدحه و ذمّه	و زرارة كان أصدق أهل زمانه و أفضلهم و حال زرارة أوضح من أن یحتاج إلى إیضاح. و أعدّه من أصحاب الإجماع	شیخ من اصحابنا فی زمانه و متقدمهم و كان قارئاً فقیها متكلما شاعرا ادیباً قد اجتمعت فیہ خصال الفضل و الدین صادقا فیما یرویه	له إخوة و لهم روايات و أصول و تصانیف.	مولاهم کوفی یکنی أبالحسن ثقة روى عن أبی جعفر و أبی عبدالله	

مولى كوفى تابعى يكنى أبا الحسن و قيل: أبو حمزة تابعى	*	*	كوفى مولى تابعى مشكور روى أنه من حوارى محمد بن على و جعفر بن محمد	ممدوح معظم	قد أتى بروايات تدل على مدحه	حمران بن أعين
لم يذكره	لم يذكره	لم يذكره	لم يذكره	لم يذكره	لم يذكره	اسماعيل بن خطاب
وكيل الرضا ثقة	أوثق أهل زمانه عند أصحاب الحديث أعبد هم وله كتب كثيرة	كوفى ثقة عين روى هو عن الرضا عليه السلام وكانت له عنده منزلة شريفة	وثقه على قول الشيخ و الكشى	اعده من أصحاب الإجماع	مدحه الكشى	صفوان بن يحيى
ثقة	جليل القدر واسع الرواية ثقة	و كان ثقة فى روايته لا يطعن عليه. صحيحاً اعتقاده	و كان ثقة فى روايته لا يطعن عليه صحيح الاعتقاد	وكان ثقة ولا مطعن عليه معتقداً جليل القدر واسع الرواية	مدحه الكشى	على بن مهزيار
مولى على بن يقطين ضعفه القمييون و هو ثقة	له كتب كثيرة قال ابن الوليد: كتب يونس النى هى بالروايات كلها صحيحة يعتمد عليها الآما ينفرد به محمد بن عيسى بن عبيد	كان وجهها فى اصحابنا متقدما عظيم المنزلة	كان وجهها فى اصحابنا متقدما عظيم المنزلة كان الرضا عليه السلام يشير إليه بالعلم و الفتيا	كان وجهها فى اصحابنا متقدما عظيم المنزلة	قد أتى بروايات تدل على مدحه و ذمه	يونس بن عبدالرحمان

جدول فوق نشان می دهد که وضعیت هر یک از افراد بشارت داده شده به بهشت از منظر تحقیقات رجالیون متقدم چگونه است، در مورد تعدادی از آنها در میان رجالیون اختلاف نظر است به خصوص در رجال کشی این اختلاف نظر مشهود است و همین نتیجه گیری را دچار مشکل می سازد و ورود به این فضای از بحث یعنی بررسی با تمام جزئیات زندگی و شخصیت هر یک از افراد بشارت داده شده را به صورت مستقل و مجزا ضروری می نماید تا بتوان در این موارد به طور قاطعانه حکم داد.

با این حال، در تحلیل هر یک از روایات داخل الگوهای نامبرده، درک این مطلب اهمیت دارد که معمولاً چه عواملی در ایجاد الگوهای مدنظر نقش مستقیم دارند، حداقل موارد زیر قابل توجه هستند:

۱: موقعیت اجتماعی و نفوذ سیاسی افراد در شکل گیری الگوها نقش داشته است، در الگوی بخشیدن باغ خرما توسط ابودحداح یا جمع آوری اموال مردم از خزانه دربار بنی امیه توسط علباء اسدی و عطای آنها به امام صادق

علیه السلام، شاهد نقش یک فرد بانفوذ هستیم که به دنبال انجام یک کار درست، مشمول وعده بهشتی شدن قرار می‌گیرد.

۲: مجموعه اوصاف و ویژگی‌های پسندیده پاره‌ای از افراد که در داخل هر الگو از آنها نام برده شده است. برای نمونه در الگوی «شوق داشتن بهشت به افرادی که...» یا در الگوی شرطی «هرکسی که...» همچنین در الگوی «دیدن افرادی که...» از تعدادی از افراد دارای خصوصیات ممتاز نام برده شده است که در محل دید و الگوبرداری مردم قرار داشتند.

۳: فشار و محدودیت‌های اعمال شده بر اقلیتی از مردم از طرف نظام‌های سیاسی حاکم که امکان معاشرت و تعامل و آزاداندیشی از آنها گرفته شده بود و با برجسته نشان دادن آنها به شکل غیرمستقیم نوعی مانع‌زدایی صورت می‌گرفت. در این راستا، نوع اعتقاد و سطح فرهنگ و حالات فکری و روانی مردم هم بی‌تأثیر نبود؛ زیرا الگوهای موردنظر مدام به دنبال القای یک معنای خاص به ذهن مخاطبان بودند تا هم انگیزه‌های آنها را بیشتر کرده و هم سبب گرایش و ایمان بیشتر آنها به آموزه‌های دین و مذهب گردند. گاهی الگوها شکل می‌گرفتند تا حق و جایگاه اقلیت را نسبت به اکثریت جامعه برجسته نشان دهند؛ گاهی هم برعکس. در الگوی «شوق داشتن بهشت به افرادی که...» می‌توان حضور این الگو را برای تقویت و اعتبار جایگاه اقلیت از شیعیان امام علی علیه السلام احساس کرد. گزارش‌هایی که از طریق الگوی «شب معراج...» بیان شده است هم به نحوی به دنبال اعتباربخشی به موقعیت بعضی از شخصیت‌های مهم بوده است. به‌رغم اهداف سیاسی که پشت و همراه هر الگو می‌تواند وجود داشته باشد، عمده تلاش‌ها برای این بوده است تا نظام باورها و اعتقادات مردم متناسب با گفتمان‌های معقول جامعه گردد. از آنجاکه در زمان پیامبر (ص) و اهل بیت علیهم السلام گفتمان رسمی در چارچوب قرآن و سنت بود، بسیاری از الگوها متأثر از اعتقاد به قرآن و سنت پیامبر (ص) قرار داشتند. در الگوی «مشاهدات عینی...» و «شب معراج...» و «ضمانت بهشت برای...» کاملاً نوع انتخاب افراد بهشتی از طریق این الگو برخاسته از مرجعیت و مقامات معنوی پیامبر (ص) و اهل بیت ایشان در میان مردم است. در چنین مواقعی سطح یادگیری افراد هم از صاحبان الگوها یکسان نمی‌ماند. عده‌ای بیشتر از دیگران تحت تأثیر الگوها قرار می‌گیرند. آلبورت بندورا روان‌شناس معاصر، به این موضوع توجه داشته که یادگیری افراد با مشاهده پیامدهای رفتار الگو حاصل می‌شود، لذا بیشتر اصول و قواعدی که رفتار انسان را کنترل و هدایت می‌کنند از طریق همین الگوبرداری‌های انتزاعی به وجود می‌آیند (نک: هرگنهان، بی‌آر و همکاران، ۱۳۷۴، ص ۴۴۹)

دو عنصر مهم در الگوهای موردنظر این جستار عبارتند از: اعتبار و جذابیت. بدین معنا که شخصیت‌هایی بنا بر یک سیستم ارزش‌گذاری عمومی به این اعتبار که دارای ویژگی‌های برجسته‌ای در رفتار خویش بودند، به موقعیتی خاص بشارت داده می‌شدند، افزون بر آن، همان سیستم ارزش‌گذاری بر جذابیت شخصیت آنها نزد دیگران می‌افزاید، به‌خصوص برای آن کسانی که در نظام باورها و آداب و عمل اجتماعی و سبک زندگی با آن مصادیق الگو دارای اشتراکاتی بودند. از منظر روان‌شناسان، اعتبار و جذابیت دو عنصر مهم در ارزیابی الگو گیرنده از الگو دهنده است. اعتبار یعنی درجه پذیرفته شدن و جذابیت هم همان درجه خوش آمدن از ناحیه الگو گیرنده است. اعتبار سبب تغییر نگرش می‌شود و الگو گیرنده را در مسیر تأثیرپذیری مستند و مستدل قرار می‌دهد. جذابیت هم از طریق سازوکار همانندسازی عمل می‌کند، زیرا مردم تلاش دارند خود را شبیه کسانی سازند که آنها را دوست دارند، همین عامل سبب اقتباس و تقلید از باورها و نگرش‌های افراد الگو دهنده می‌شود (نک: نولن و دیگران، ۱۳۹۵، ج ۲ ص ۴۰۷ - ۴۰۸).

در کنار شکل‌گیری الگوهای مختلف در جامعه اسلامی، مسئله انتخاب و تأثیرپذیری از الگوها هم مطرح بود. منطقی می‌نمود که از پیشوایان دین و فرزندان جامعه این توصیه داده شود که از هر الگو تبعیت نشود مگر بعد از آن که دلایل و حجت‌های قطعی در صحت و اعتبار آن الگوها حاصل گردد (نک: محمدی ری شهری، ۱۳۶۳، ج ۸ ص ۲۵۵)؛ اما آنچه بیشتر اهمیت دارد، توجه به علل و انگیزه‌ها و محیط‌های شکل‌گیری الگوهاست. بدیهی می‌نماید که هر جامعه و فرهنگی زمینه‌ساز الگوهای مطابق با ساختارهای فکری و فرهنگی خود باشد، لذا قضاوت درباره آن الگوها منوط به شناخت بسترها و شرایط فرهنگی و فکری و روانی آن جامعه خواهد بود. برای مثال در جامعه‌ای که غلبه با گفتمان قدرت حاکم است، شکل و ساختار الگوها هم متناسب با همان گفتمان خواهد بود. الگوها شکل می‌گیرند و افراد مختلف را تحت تأثیر محتوای خود قرار می‌دهند. در چنین شرایطی ممکن است اکثریت جامعه هم‌نوای با الگوها و گفتمان‌های حاکم شوند بدون اینکه در نظر آورند که آن الگو یا گفتمان بر حق است یا باطل!

۶. نتیجه‌گیری

احادیث «المبشرون بالجنة» بیانگر الگوهایی اخلاقی، شخصیتی و عملی هستند که معصومین (ع) با توجه به شرایط فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی زمان خود، به‌منظور برجسته کردن افرادی خاص از جامعه اسلامی به کار گرفته‌اند. این نوع روایات، علاوه بر تأکید بر شایستگی‌های اخلاقی و عملی برخی از یاران پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، دارای ابعاد فراوانی از قبیل نقش‌آفرینی در تقویت گفتمان اقلیت شیعی، تسهیل امر الگوگیری و هدایت جامعه به سمت ارزش‌های دینی مورد تأکید معصومین (ع) هستند.

مشخص شد که این بشارت‌ها در اکثر موارد در پاسخ به صفات برجسته‌ای چون صدق و وفاداری به اسلام و اهل بیت (ع)، انجام اعمال نیکو، بخشش و قرض دادن، وقف خود در راه خدا و همچنین حضور در صحنه‌های مهم تاریخی اسلام، صادر شده است؛ بنابراین، این افراد با داشتن ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی ممتاز، مستحق این بشارت‌ها شناخته شده‌اند.

علاوه بر این، روشن شد که معصومین (ع) از الگوهایی استفاده کرده‌اند که در گفتمان عمومی جامعه آن زمان رواج داشته‌اند؛ از جمله الگوهایی چون: «شب معراج»، «مشاهدات عینی»، «ضمانت برای افرادی که...» و «هرکسی که...». این الگوها در قالب ساختارهای زبانی و تصویری، محتوای دینی را به‌گونه‌ای قابل فهم و قابل القا برای مردم منتقل کرده‌اند.

همچنین درک عمیق این الگوها بدون توجه به پس‌زمینه‌های تاریخی، اهداف سیاسی و مذهبی و همچنین موقعیت اجتماعی و شخصیتی مصادیق بشارت‌ها ممکن نیست. این افراد بیشتر از میان یاران خاص معصومین (ع) بودند که با وجود فشارهای محیطی و محدودیت‌های سیاسی، همچنان در خط اسلام حقیقی ایستادند و اقداماتی انجام دادند که از دیدگاه اهل بیت (ع) قابل تحسین و قابل بشارت بود.

در نهایت، تحلیل این احادیث نشان می‌دهد که الگوهای کلامی و عملی در اسلام تشکیلاتی اجتماعی-معنایی دارند که تحت تأثیر باورها، شرایط فرهنگی و انگیزه‌های گفتمانی شکل می‌گیرند؛ بنابراین، برای درک صحیح این الگوها، لازم است محققان و مفسران حدیثی، علاوه بر تحلیل متن روایت، به زندگی‌نامه، موقعیت اجتماعی و اهداف نظام‌های گفتمانی آن دوران نیز توجه کنند.

۷. منابع

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین (بی تا)، شرح نهج البلاغه، قم، المكتبة آية الله المرعشي النجفی.
۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۳۶۲ ش)، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵)، الإصابة فی تمييز الصحابة، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود وعلی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۴. ابن حنبل، احمد (۱۴۱۶)، المسند، تحقیق: أحمد محمد شاكر، القاهرة، دار الحدیث.
۵. ابن داوود حلی، حسن بن علی (بی تا)، الرجال، قم، منشورات الشریف الرضی.
۶. ابن هشام، عبدالملک (۱۳۷۵ ق)، السیرة النبویة، تحقیق: مصطفى السقا وإبراهیم الأبیاری وعبد الحفیظ الشلبی، القاهرة، مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده.
۷. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۹۱)، فرهنگ معاصر عربی و فارسی، تهران، نشر نی.
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲)، صحیح بخاری، محقق: محمد زهیرین ناصرالناصر، القاهرة، دار طوق النجاة.
۹. توسلی، غلام عباس (۱۳۶۹): نظریه های جامعه شناسی، تهران، انتشارات سمت.
۱۰. جلیلیان، مجیر و همکاران (۱۳۹۷)، «امکان سنجی استفاده از الگوی تاریخ نگاری «روح زمانه» به عنوان روشی برای مطالعات تاریخ معماری معاصر ایران»، جستارهای تاریخی، سال نهم، شماره دوم ۲۷-۴۸.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷)، خلاصة الأقوال، قم، مؤسسة الفقهة.
۱۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، مكتبة نزار مصطفى الباز.
۱۴. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان (۱۴۰۴)، الدر المنثور، قم، المكتبة آية الله المرعشي النجفی.
۱۵. شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، مؤسسة آل البيت (ع).
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش)، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۱۷. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲)، جامع البیان فی تأویل آی القرآن، بیروت، دار المعرفة.
۱۸. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۱۹. کریمی، یوسف (۱۴۰۲)، روان شناسی اجتماعی (نظریه ها، مفاهیم و کاربردها)، تهران، نشر ارسباران.
۲۰. کشی، محمد بن عمر (۱۳۶۳ ش)، اختیار معرفة الرجال، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۲۲. متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۰۱)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، تحقیق: بکری حیانی و صفوة السقا بیروت، مؤسسة الرسالة.
۲۳. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۴. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۱)، بهشت و دوزخ از نگاه قرآن و حدیث، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث.
۲۵. _____ (۱۳۶۳)، میزان الحکمة، قم، مرکز النشر المکتب الإعلام الإسلامی.
۲۶. موحد، ضیاء (۱۳۹۸)، منطق صوری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۷. مهدی زاده، حسین (۱۳۹۵)، *الگو شناسی*، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۲۸. نولن، سوزان و همکاران، ۱۳۹۵، *زمینه روان‌شناسی/تکنیسون و هیلگارد*، ترجمه حسن رفیعی، تهران، نشر کتاب ارجمند.
۲۹. واحدی نیشابوری، علی بن احمد (۱۴۱۱) *أسباب النزول القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
۳۰. هرگنهان، بی.آر (۱۳۸۹)، *درآمدی بر تاریخ روان‌شناسی*، ترجمه: یحیی سیدمحمدی، تهران، انتشارات ارسباران.
۳۱. هرگنهان، بی.آر و همکاران (۱۳۷۴)، *مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری*، ترجمه علی اکبر سیف، تهران، نشر دانا.

